بیت‌المال در سیره پیامبر اکرم(ص)

شیوه‌های رسول خدا(ص) در اداره بیت‌المال

علی کرجی

بخش دوم و پایانی

احتیاجات عمومی در زمان پیامبر(ص) بر دوگونه بود: یکی مخارج برنامه‌های حکومت اسلامی و دیگری بالا بردن سطح زندگی همه مردم که نتیجه آن، ایجاد تعادل و توازن اجتماعی بود. آن حضرت با هزینه صحیح و دقیق بیت‌المال، عقب‌ماندگی شدید اقتصادی را که مانع پیشرفت و تحقق اهداف مقدس اسلامی بود، مرتفع ساخت. از این رو نیمی از محصول اراضی خیبر را جهت فقرزدایی و نیمی دیگر را برای هزینه‌های حکومتی از قبیل تجهیز سپاه و هیئت‌های نمایندگی و دیگر مخارج حکومتی به کار برد.

رسول خدا(ص) مردی از قبیله ازد برای گرفتن زکات طایفه‌ای از مسلمانان مأمور کرد، او مأموریت را انجام داده و اموال را به مدینه نزد پیامبر آورد و به دروغ عرض کرد: این زکات اموال است و این یکی هدیه‌ای است که به خود من داده‌اند. پیامبر به منبر رفت و پس از حمد خداوند، فرمود: همانا من کسی را برای کاری می‌فرستم و او می‌آید و می‌گوید این، زکات و آن دیگر، هدیه‌ای است که به من داده‌اند! پس چرا در خانه پدر و مادر خود نمی‌نشینند تا ببینند آیا هدیه‌ای برای او می‌آورند؟ به خدایی که جان من در دست قدرت اوست، کسی که چیزی از زکات را بردارد روز قیامت بر گردن او [به‌صورت آتش] پیچیده می‌شود.

یکی از یاران پیامبر(ص) عرض کرد: آیا یکی از پست‌ها را به من واگذار می‌کنی؟ آن حضرت دست بر شانه او زد و فرمود: تو ضعیفی و «مسئولیت»، امانت است [و بار امانت سنگین است] و آن مسئولیت، روز قیامت بدبختی و پشیمانی است مگر آنکه به حق گرفته شود و حق آن ادا شود.

رسول خدا(ص) می‌فرماید: هر کس کارگزاری از مسلمین را به کار بگیرد و حال آنکه می‌داند در بین مسلمانان کسی هست که از او شایسته‌تر و داناتر به کتاب خدا و سنت رسولش است، به خداوند و رسول او و تمام مسلمانان خیانت کرده است.

در نخستین بخش از نوشتار حاضر درباره چیستی مفهوم بیت‌المال و منابع مالی آن در صدر اسلام سخن گفته شد. در ادامه به تبیین روش‌های پیامبر در اداره بیت‌المال و محافظت از آن و نیز نحوه انتخاب کارگزاران متولی بیت‌المال می‌پردازیم.

***

شیوه‌های پیامبر(ص) در اداره بیت‌المال

۱- عدم ذخیره‌سازی

اموالی که به دست آن حضرت می‌رسید اگر حق جنگ جویان و یا فقیران و امثال آنها بود، در اسرع وقت بین آنها تقسیم می‌کرد و سعی داشت چیزی از اموال عمومی نزد آن حضرت باقی نماند. غنیمت‌های جنگی را در همان میدان جنگ تقسیم می‌کرد؛ در جنگ خیبر بعد از انجام جنگ، دستور داد تا غنیمت‌ها را در همان‌جا گرد آورده و تقسیم کنند.[۲۱] بله گاهی صلاح مسلمانان در آن بود که بعد از خروج از میدان جنگ و در محل دیگر، غنیمت‌ها را تقسیم کنند. نمونه‌اش جنگ بدر است که آن حضرت با نخستین اختلاف یاران خود در نحوه تقسیم غنیمت‌ها روبه‌رو شد، چرا که هر کسی خود را سزاوارتر از دیگری می‌دانست؛ کسانی که از جان پیامبر حفاظت کرده بودند عمل خود را مهم‌تر از عمل دیگری می‌دانستند و کسانی که در میدان جنگ بودند، خود را بر دیگران در استحقاق غنیمت‌ها مقدم می‌پنداشتند. در این وقت پیامبر برای رفع اختلاف و عدم دو دستگی، تمام غنیمت‌ها را به عبدالله بن کعب سپرد و عده‌ای را مأمور نگهداری و حمل و نقل آن اموال کرد تا اینکه در نزدیکی مدینه آنها را به طور مساوی بین رزمندگان تقسیم کرد.[۲۲]

آخرین پولی که به دست آن حضرت رسید ۸۰۰/۰۰۰ درهم بود که از بحرین برای ایشان آوردند و آن حضرت از جای برنخاست تا اینکه همه آن اموال را بین مسلمانان تقسیم کرد.[۲۳]

۲- مساوات در تقسیم

آن حضرت در تقسیم غنیمت‌ها و سایر اموال بیت‌المال، قانون عدل و انصاف را رعایت می‌کرد و به همه مردم به‌طور یکسان سهم می‌داد؛ امتیازات شخصی، قبیله‌ای، سنی، سبقت در قبول اسلام، شرکت در جنگ بدر، سفید و سیاه، آزاد و برده و امثال آنها را در کسب سهم از اموال بیت‌المال، دخالت نمی‌داد.[۲۴] بدین وسیله، دیدگاه طبقاتی و مناسبات ستمگرانه برخاسته از آن را باطل اعلام کرد و انسان‌ها را کنار هم و در یک صف متحد قرار داد.

سعد بن ابی‌وقاص در تقسیم غنائم بدر به پیامبر اعتراض کرد و گفت: آیا مرا که از اشراف بنی‌زهره‌ام، با این آبکش‌ها و باغبان‌های یثرب، یکسان می‌بینی؟ آن حضرت از شنیدن این سخن، سخت آزرده شد و فرمود: هدف من از این جنگ، حمایت از بیچارگان در برابر زورمندان است. من برای این برانگیخته شدم که تمام تبعیضات و امتیازات موهوم را ریشه‌کن سازم و تساوی در برابر حقوق را در میان مردم جایگزین آن کنم.[۲۵]

۳- محافظت از بیت‌المال

پیامبر اکرم(ص) برای حفاظت از بیت‌المال خصوصاً در جنبه احقاق حقوق و رعایت حریم آن توسط مردم، شیوه‌های تبلیغاتی و عملی مختلفی به کار می‌برد، از جمله:

الف. ابلاغ

آن حضرت برای آنکه مردم حقوق بیت‌المال را رعایت کنند، آنان را با وظایف خود درخصوص بیت‌المال آشنا می‌کرد. گاه اصل حکم شرعی را ابلاغ می‌کرد و گاه تفصیل و جزئیات حکم شرعی را بیان می‌کرد.[۲۶] و در بعضی اوقات با نامه‌نگاری، به تعلیم احکام و وظائف مردم نسبت به بیت‌المال می‌پرداخت، مثل ارسال نامه به سوی سعد هذیم- والی جذام- که در آن احکام زکات تشریح شده و به مردم دستور داده شده است که زکات و خمس را به فرستاده آن حضرت تحویل دهند.[۲۷]

ب. تبشیر و انذار

یکی دیگر از شیوه‌های آن حضرت در حفاظت از حریم بیت‌المال و احقاق حقوق آن، بشارت به ثواب و ذکر آثار خوب ادای حقوق بیت‌المال مثل خمس، زکات و امثال آن است و گاه انذار مسلمانان از تمرد و سرپیچی از انجام وظائف خود نسبت به حقوق بیت‌المال و ذکر آثار سوء عدم ادای حقوق آن است.[۲۸] پیامبر بعد از فتح خیبر و بعد از جمع‌آوری غنیمت‌ها در نقطه خاصی، به یکی از رزمندگان دستور داد که بگو: بر هر مسلمانی که غنیمت به دست آورده و اگرچه نخ و سوزنی باشد، باید آن را تحویل دهد؛ زیرا خیانت، مایه ننگ در دنیاست و در روز قیامت آتش بر جانش می‌شود.[۲۹]

روز حرکت از سرزمین خیبر، ناگهان بر غلامی که مأمور بستن کجاوه‌های پیامبر اکرم بود، تیری اصابت کرد و همان دم جان سپرد. مأموران به جست‌وجو پرداختند، تحقیقات آنها به جایی نرسید، همگی گفتند: بهشت بر او گوارا باشد. ولی پیامبر فرمود: من با شما در این جریان، هم عقیده نیستم، زیرا عبایی که بر تن اوست از غنیمت‌ها بوده و او آن را به خیانت برده و روز قیامت به‌صورت آتش او را احاطه خواهد کرد. در این لحظه یک نفر از سربازان پیامبر گفت: من دو بند کفش از غنیمت‌ها بدون اجازه برداشته‌ام. حضرت فرمود: آن را برگردان و گرنه روز قیامت به‌صورت آتش در پای تو قرار می‌گیرد.[۳۰]

و نیز فرمود: «لا تزال امتی بخیر مالم یتخاونوا و ادوا الامانهٔ و اتوا الزکاهٔ و اذا لم یفعلوا ذلک ابتلوا بالقحط و السنین[۳۱]؛ امت من هیچ وقت از خیر و برکت جدا نمی‌شوند مادامی که به یکدیگر خیانت نکنند و امانت را ادا کنند و زکات [اموالشان را] پرداخت کنند و اگر چنین نکردند به قحطی و خشکسالی مبتلا خواهند شد».

و باز فرمود: «خمسهٔ لعنتهم- و کل نبی مجاب- الزائد فی کتاب الله و التارک لسنتی و المکذب بقدر الله و المستحل من عترتی ما حرم الله والمستأثر بالفیء المستحل له؛[۳۲] پنج کس‌اند که من و هر پیامبر مستجاب‌الدعوه‌ای آنها را لعنت کرده‌ایم: آن کس که در کتاب خدا آیه‌ای را زیاد گرداند؛ کسی که سنت و روش مرا رها کند؛ کسی که قضا و قدر خدا را تکذیب کند؛ کسی که حرمت اهل‌بیت ما را نگه ندارد و کسی که اموال عمومی را به خود منحصر سازد و [تصرف] در آن را به نفع خود حلال شمارد».

ج. توبیخ و مجازات

آن حضرت متجاوزان به بیت‌المال را به‌صورت‌های مختلف لفظی و عملی، توبیخ و مجازات می‌کرد.

پیامبراکرم(ص) مردی از قبیله ازد - که او را ابن لیثیه نیز می‌گفتند- برای گرفتن زکات طایفه‌ای از مسلمانان مأمور کرد، او مأموریت را انجام داده و اموال را به مدینه نزد پیامبر آورد و به دروغ عرض کرد: این زکات اموال است و این یک هدیه‌ای است که به خود من داده‌اند. پیامبر به منبر رفت و پس از حمد خداوند، فرمود: همانا من کسی را برای کاری می‌فرستم و او می‌آید و می‌گوید این، زکات و آن دیگر، هدیه‌ای است که به من داده‌اند! پس چرا در خانه پدر و مادر خود نمی‌نشینند تا ببینند آیا هدیه‌ای برای او می‌آورند؟ به خدایی که جان من در دست قدرت اوست، کسی که چیزی از زکات را بردارد روز قیامت بر گردن او [به‌صورت آتش] پیچیده می‌شود.[۳۳]

آن حضرت پنج نفر را از مسجد بیرون کرد و فرمود: «اخرجوا من مسجدنا لا تصلوا فیه و انتم لا تزکون[۳۴]؛ از مسجد ما خارج شوید و در آن نماز نخوانید چون شما زکات نمی‌دهید».

د. طرد افراد نالایق از مسئولیت بیت‌المال

یکی از یاران آن حضرت عرض کرد: آیا یکی از پست‌ها را به من واگذار می‌کنی؟ آن حضرت دست بر شانه او زد و فرمود: «انک ضعیف و انها امانهٔ (و الامانهٔ ثقیلهٔ) و انها یوم‌القیامهٔ خزی و ندامهٔ الا من اخذها بحقها و ادی الذی علیه فیها؛(۳۵) تو ضعیفی و «مسئولیت»، امانت است [و بار امانت سنگین است] و آن مسئولیت، روز قیامت بدبختی و پشیمانی است مگر آنکه به حق گرفته شود و حق آن ادا شود».

ه. ثبت اموال

آن حضرت برای حفاظت از حریم بیت‌المال، به ثبت اموال می‌پرداخت. زبیر و جهم بن صلت را مأمور ثبت ورود و خروج زکات کرد و معیقب بن ابی‌فاطمه را مأمور ثبت اموال غنیمت‌های جنگی نمود.(۳۶) اگر قطعه زمین یا چشمه و دیگر اموال غیرمنقول را به فرد یا گروهی واگذار می‌کرد، علاوه بر ثبت آنها، به آنها سندی که مجوزی بر حق تصرف آنها بود، نیز عطا می‌کرد.[۳۷] که این عمل نشانگر دقت و تدبیر آن حضرت در اداره امور بیت‌المال و نظم محوری ایشان و اهمیت به حقوق بیت‌المال می‌باشد. گاه ثبت اموال به وسیله علامت‌گذاری و نشانه گذاشتن بود و آن حضرت شتر و ستوران دیگر را که جزو بیت‌المال بودند یا خود به وسیله آهن، داغ می‌زدند و یا با نظارت خود دستور می‌دادند آنها را داغ بزنند تا از سایر حیوانات که جزو بیت‌المال نبودند، قابل تشخیص باشند و آنها را در چراگاه‌های مخصوص نزدیک بقیع در محلی به نام «حمی» (قرقگاه)، نگاه می‌داشت تا به مصرف جنگ و یا حقوق مأموران وصول زکات و فقراء و مانند آن برساند.[۳۸]

و. نصب مأموران حفاظتی

آن حضرت در موارد متعدد، افرادی را مأمور حفاظت از اموال بیت‌المال می‌کرد. نمونه آن، عبدالله بن کعب و همکاران او هستند که در جنگ بدر و بعد از آن، مأمور حفاظت از اموال غنیمتی و خمس بودند.[۳۹]

ز. مبارزه با زمین‌خواری

پیامبر اکرم(ص) اقدام دیگری را نیز برای حفاظت از حریم بیت‌المال انجام داد و آن، وضع قوانین جامع و روشن در بهره‌برداری عموم مردم و قطع دست سودجویان فرصت‌طلب و زورمداران از دامن بیت‌المال- خصوصاً در بخش انفال- است. آن حضرت اعلام کرد که همه مردم در سه چیز شریکند: آب، مرتع و آتش.[۴۰] و باز فرمود: «من احیی ارضا مواتا فهی له[۴۱]؛ هر کسی زمین بایری را آباد کند، مال خود اوست». میزان بهره‌برداری هر کس را بر ملاک استعداد و توانایی او در تولید و فایده رسانی و ارائه خدمات به جامعه قرار داد و با قانون لغو «حمی» دست زمین‌خواران را از حریم انفال کوتاه کرد و فرمود: «لا حمی الا لله و لرسوله(۴۲)؛ هیچ حمایی(قرقگاهی) نیست مگر آنکه از آن خداوند و رسولش است.»

«حمی» اصطلاحا به این معناست که یک بخشی از زمین یا مرتع را بدون آنکه احیایش کنند و یا سایر شرایط ملکیت را دارا باشند، آن را در قرق خود قرار دهند که پیامبر اکرم با قانون مذکور، از اختصاص انفال به گروه خاصی همانند زورمداران جلوگیری کرد و آن را در اختیار همه مردم قرار داد.[۴۳]

ح. نظارت عمومی

رسول خدا(ص) با ایجاد حس مسئولیت در وجود اقشار مختلف مردم، یک نوع نظارت غیرمستقیم و دائم و همه گیر را ایجاد کرد و فرمود: «کلکم راع و کلکم مسئول...»(۴۴) همه شما دیده‌بان و نگهبان و همه شما مورد سؤال هستید...»

«نظارت» از ارکان مدیریت به شمار می‌آید چرا که به‌وسیله آن، دستگاه‌ها- از جمله بیت‌المال- از انحراف و فساد به دور خواهند بود و پیامبر اکرم با نظارت مستقیم و غیرمستقیم، از حریم بیت‌المال حفاظت نموده، فساد و انحراف را از آن دور کردند.

مصرف بیت‌المال

اموالی که بیت‌المال و اموال عمومی محسوب می‌شود گاهی مورد مصرف آن مشخص است؛ مانند غنیمت جنگی که مالک آن بعد از جدا کردن خمس آن، رزمندگان اسلامند و بایستی بین آنها تقسیم شود که پیامبر اکرم بعد از پایان یافتن جنگ‌ها، این کار را انجام می‌داد و گاهی مورد مصرف آن عام است؛ مثل خمس که مالک آن مقام نبوت است و در مواردی که پیامبر اکرم مصلحت اسلام و مسلمین را در آن ببیند، هزینه می‌شود؛ همانند هزینه برای امور زیربنایی، کمک به نیازمندان جامعه و امثال آنها.

آن حضرت قسمتی از اموال به دست آمده از قبیله بنی‌نضیر را در جهت تجهیز رزمندگان به اسب و سلاح جنگی، مصرف می‌کرد،[۴۵] و قسمت دیگری از آن را در جهت فقرزدایی بین مهاجرانی که در مضیقه بودند به مصرف می‌رساند.[۴۶] وگاه از خمس، همچون زکات، برای تالیف قلوب و محبت تازه مسلمانان استفاده می‌کرد. همان‌طور که خمس غنیمت‌های به دست آمده از جنگ طائف را میان سران قریش که تازه مسلمان شده بودند، تقسیم کرد؛ از قبیل ابوسفیان، معاویه، حکیم بن حزام، حارث بن حارث، حارث بن هشام، سهیل بن عمرو و عده دیگری که پیامبر طبق شان هر کدام تعدادی شتر به آنها عطا کرد.[۴۷]

به‌طور کلی احتیاجات عمومی در زمان پیامبر بر دو گونه بود: یکی مخارج برنامه‌های حکومت اسلامی و دیگری بالا بردن سطح زندگی همه مردم که نتیجه آن، ایجاد تعادل و توازن اجتماعی بود. آن حضرت با هزینه صحیح و دقیق بیت‌المال، عقب‌ماندگی شدید اقتصادی را که مانع پیشرفت و تحقق اهداف مقدس اسلامی بود، مرتفع ساخت. از این رو نیمی از محصول اراضی خیبر را جهت فقرزدایی و نیمی دیگر را برای هزینه‌های حکومتی از قبیل تجهیز سپاه و هیئت‌های نمایندگی و دیگر مخارج حکومتی به کار برد.

آن حضرت بیت‌المال را جهت تامین اجتماعی اقشار بی‌بضاعت به کار برد و اعلام کرد:

«من ترک ضیاعا فعلی ضیاعه و من ترک دینا فعلی دینه؛[۴۸] هر کس کشتزاری بر جای نهد، محافظت از آن به عهده من است و هر کس مدیون بمیرد، ادای دینش وظیفه من است.»

ایشان برای فراهم کردن مقدمات ازدواج جوانان، از بیت‌المال استفاده می‌کرد؛ مثلا از اموال خمس- که در اختیار حضرت بود- هزینه ازدواج عبدالمطلب بن ربیعه و فضل بن عباس را پرداخت کرد.[۴۹]

انتخاب مسئولین بیت‌المال

رسول خدا(ص) مسئولین بیت‌المال را بر اساس دارا بودن تقوا انتخاب می‌کرد؛ از این رو هنگام ابلاغ حکم مسئولیت به آنها بر حفظ تقوا در تمام موارد تأکید می‌نمود. چنانکه در عهدنامه خود به عمرو بن حزم، هنگام گسیل داشتن وی به استانداری یمن و مدیریت بیت‌المال، او را به رعایت تقوا در انجام وظایفش سفارش می‌کند[۵۰] و زهد و پاکدامنی از طمع را که زمینه رعایت حقوق بیت‌المال و صاحبان حق است، شرط مسئولین بیت‌المال می‌شمارد.

حضرت بر شایسته‌سالاری که از اصولی‌ترین شرایط برای انتخاب عاملان و کارگزاران است، تأکید فراوان می‌کند. چنانکه در سیره آن حضرت آمده است که از میان تمام مسلمانها جوان بیست ساله‌ای را به نام عتاب بن اسید برای فرمانداری مکه برگزید و فرمانی برایش صادر کرد و به او فرمود: «یا عتاب تدری علی من استعملتک؟ علی اهل الله عزو جل و لو اعلم لهم خیرا منک استعملته علیهم[۵۱]؛ ای عتاب! آیا می‌دانی تو را فرماندار کدام گروه قرار دهم؟ تو را بر اهل حرم خدا و ساکنان مکه والی نمودم و اگر در میان مسلمانان کسی را برای این مقام شایسته‌تر از تو می‌یافتم، این کار را به او می‌سپردم».

همچنین در این‌باره می‌فرماید: «من استعمل عاملا من المسلمین و هو یعلم ان فیهم من هو اولی بذلک منه و اعلم بکتاب الله و سنهٔ نبیه، خان الله و رسوله و جمیع المسلمین[۵۲]؛ هر کس کارگزاری از مسلمین را به کار بگیرد و حال آنکه می‌داند در بین مسلمانان کسی هست که از او شایسته‌تر و داناتر به کتاب خدا و سنت رسولش است، به خداوند و رسول او و تمام مسلمانان خیانت کرده است.»

پی‌نوشت‌ها:

۲۱- فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۲۶۱. ۲۲- الطبقات‌الکبری، ج ۲، ص ۱۸. ۲۳- المواعظ و الاعتبار، ج ۱، ص ۱۴۸. ۲۴- فروغ ولایت، ص ۳۴۸. ۲۵- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۵۱۴. ۲۶- وسایل‌الشیعه، ج ۶، ص ۳. ۲۷- الطبقات‌الکبری، ج ۱، ص ۲۷۰. ۲۸- وسایل‌الشیعه، ج ۶، ص ۱۳. ۲۹- سیره ابن‌هشام، ج ۳، ص ۳۷۳. ۳۰- فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۲۶۱. ۳۱- وسایل‌الشیعه، ج ۶، ص ۱۳. ۳۲- همان، ج ۱۱، ص ۳۴۱. ۳۳- ناسخ‌التواریخ، ج ۳، ص ۱۵۹. ۳۴- وسایل‌الشیعه، ج ۶، ص ۱۲. ۳۵- صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۳۴. ۳۶- مکاتیب‌الرسول، ج ۱، ص ۲۱ و ۲۲. ۳۷- تاریخ سیاسی اسلام، ص ۱۶. ۳۸- تاریخ تمدن اسلام، ج ۲، ص ۲۱۹. ۳۹- التراتیب‌الاداریه، ج ۱، ص ۴۱۱. ۴۰- مستدرک‌الوسائل، ج ۱۷، ص ۱۱۴. ۴۱- تهذیب‌الاحکام، ج ۷، ص ۱۵۲. ۴۲- مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۸. ۴۳- الاحکام‌السلطانیه، ج ۲، ص ۲۲۲. ۴۴- صحیح بخاری، ج ۳، باب‌النکاح. ۴۵- ر.ک: النفهٔ الاداریهٔ العامهٔ فی صدرالاسلام، عبدالسمیع سالم‌الهراوی، مصر، ۱۹۸۶ م. ۴۶- فتوح‌البلدان، ص ۳۲. ۴۷- البدایهٔ و النهایهٔ، ج ۴، ص ۳۶۲. ۴۸- وسایل‌الشیعه، ج ۱۳، ص ۹۲. ۴۹- تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۸۵. ۵۰- فتوح‌البلدان، ص ۸۱. ۵۱- اسد الغابهٔ، ج ۳، ص ۳۵۸. ۵۲- الغدیر، ج ۸، ص ۲۹۱.

آگهی مزایده اتومبیل

به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۹۹۰۰۰۶۹ یک دستگاه سواری پراید جی‌تی‌ایکس- ای رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۵ شماره انتظامی ۳۴۹ د ۶۵ ایران ۶۴ متعلق به محمدجواد فلاحیان که طبق نظر کارشناسان رسمی به مبلغ ۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال ارزیابی شده، از ساعت ۹ الی ۱۲ دوشنبه ۱۳۹۹/۸/۵ در اداره ثبت اسناد و املاک مبید واقع در خیابان کاشانی مبید از طریق مزایده به فروش می‌رسد. مزایده از مبلغ ۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می‌شود و کلیه هزینه‌های قانونی برعهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول خواهد شد. ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی اعلام گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.
تاریخ انتشار آگهی: ۱۳۹۹/۷/۲۴ پنجشنبه
رئیس ثبت مبید- علی محمد زارع ده‌آبادی

تاسیس شرکت سهامی خاص نوین طب پارسیان طبرستان درتاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۵ به شماره ثبت ۳۷۳۰ به شناسه ملی ۱۴۰۰۹۴۶۳۵۳۸

ثبت و امضا ذیل دفاترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت:شرکت تجهیزات پزشکی ارائه خدمات تجهیزات پزشکی- واردات و صادرات کلیه کالاها و محصولات مجاز پزشکی- شرکت در مناقصات و مزایده‌ها- تهیه و توزیع کلیه تجهیزات مورد مصرف بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها و درمانگاه‌ها- تجهیزات حفاظت فردی- تهیه و توزیع انواع تیغ و نخ‌های جراحی، دستکش، ماسک، گان- تهیه، تولید و توزیع انواع مواد ضدعفونی‌کننده و ظروف نگهداری- تهیه و توزیع کلیه دستگاه‌های بیمارستانی- تهیه و توزیع قطعات و لوازم جانبی وسایل و دستگاه‌ها- نصب و راه‌اندازی و نگهداری تجهیزات- تهیه و توزیع تجهیزات مورد نیاز بیمار- اخذ و اعطاء نمایندگی- تهیه و توزیع فراورده‌های بیولوژیک مانند سرم، واکسن، فراورده‌های آزمایشگاهی، مواد غذایی، ماسک، البسه، کیت‌های آزمایشگاهی- تهیه، تولید و توزیع محصولات بیومتریال و هوش مصنوعی- تامین و توزیع نرم‌افزارهای بیمارستانی- تهیه و تامین انواع فرمت‌های دیجیتال و کاغذی بیمارستانی- تهیه قطعات و انجام تعمیرات تجهیزات آزمایشگاهی، تصویربرداری و بیمارستانی- تاسیس سیستم‌های بیمارستانی، سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی- مشاوره، طراحی، بهینه سازی، مدیریت و اجرای کلیه امور مربوط به تاسیسات و تجهیزات پزشکی- طراحی و نصب مخازن سیستم‌های بازیافت- کلیه امور پیمانکاری مربوط به تاسیسات مکانیکی و هیدرومکانیکی و تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی و درمانی- کلیه امور پیمانکاری دانشگاه‌های علوم پزشکی- کلیه امور پیمانکاری شامل زیرسازی، نصب و اجرا- سیستم‌های سردکننده و گرم‌کننده و سیستم‌های حرفه‌ای نور و صدا و مانیتورینگ- امور سیستم‌های ارتباطی و شبکه‌های رایانه‌ای- تامین نیروی انسانی ماهر و ساده مورد نیاز- طراحی، نصب، راه‌اندازی، تعمیر و نگهداری و عیب‌یابی کلیه سیستم‌های بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها و درمانگاه‌ها و کلیه ارگان‌های دولتی و خصوصی- نصب، راه‌اندازی، تعمیر و نگهداری و عیب یابی تاسیسات برق، ماشین آلات صنعتی و اجرای پست برق- شبکه خطوط انتقال نیرو و همچنین مدارات فرمان و قدرت ابزار دقیق و PLC و DCS و سیستم‌های کنترل و مدارات با سیستم‌های تغذیه پیوسته با باتری (UPS) و علائم راهبردی سیستم تاسیسات برقی، مخابراتی، صادرات و واردات به همراه خرید و فروش کلیه محصولات مجاز بازرگانی و وسایل و لوازم مرتبط با موضوعات شرکت- انعقاد قرارداد بااشخاص حقیقی و حقوقی- شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی- ایجاد شعب در سراسر کشور.- درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان مازندران، شهرستان بهشهر، بخش مرکزی، شهر بهشهر، محله امام خمینی، خیابان شهید موسوی(مسجد مهدیه)، بلوار امام خمینی، پلاک ۰، پاساژ تندیس، ۴۳، طبقه اول کدپستی ۴۸۵۱۷۵۵۱۱۴ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱۳۸۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۳۱ نزد بانک بانک ملی شعبه مرکزی با کد ۹۷۳۱ پرداخت گردیده است اعضا هیئت‌مدیره آقای علی بابانژاد به شماره ملی ۲۱۷۰۱۹۲۷۳۵ و به سمت رئیس‌هیئت‌مدیره به مدت ۲ سال و به سمت عضو هیئت‌مدیره به مدت ۲ سال آقای رضا بابانژاد به شماره ملی ۲۱۷۰۳۱۱۸۴۱ و به سمت عضو هیئت‌مدیره به مدت ۲ سال و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال خانم طیبه قلندری به شماره ملی ۲۱۸۰۰۶۶۹۲۹ و به سمت عضو هیئت‌مدیره به مدت ۲ سال و به سمت نایب‌رئیس‌هیئت‌مدیره به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه‌های عادی و اداری باامضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه بازرسان آقای حسین حاجیان به شماره ملی ۲۱۷۰۲۷۲۸۷۹ به سمت بازرس اصلی به مدت یک سال مالی آقای علی علیزاده اقبالی به شماره ملی ۲۱۷۰۳۴۰۷۸۵ به سمت بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی روزنامه کثیر الانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری بهشهر (۱۰۲۰۰۷۲)

آگهی فقدان سند مالکیت

به نام داود محمدزاده مندجین آدرس تهران شهرک شریعتی جنوبی خ شهید صمدی کوچه شهید بزرگ عقیده خ دوم پلاک ۳۹ با تسلیم دو برگ استشهاد مصدق بشماره ۱۴۶۶۴۳ مورخ ۹۹/۶/۳۱ ۸دفترخانه ۳۷ ری بشرح وارده ۴۰۲۰۶۹۲ مورخ ۹۹/۶/۳۱ اعلام نموده مشخصات ملک: ششدانگ آپارتمان به شماره ۳۶۵۶ فرعی از ۱۱۳ اصلی مفروز و مجزا شده در ۹۵۴۷ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱ واقع در بخش ۱۲ ناحیه ۰۲ حوزه ثبت ملک شهرری استان تهران به مساحت ۳۸.۰۸ مترمربع مشخصات منضمات ملک: انباری به مساحت ۳.۵۲ قطعه یک
مشخصات مالکیت: مالکیت داود/ محمدزاده مندجین فرزند بیت‌اله شماره شناسنامه ۲۲۳۵ تاریخ تولد ۱۳۶۰/۰۵/۰۳ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۷۶۶۸۹۴۹۲ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان عرصه و اعیان، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۳۹۹۱۳۴ سری ه سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی الکترونیک ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۰۲۴۰۱۴۹۴۱ ثبت گردیده است. برابر گواهی دفتر املاک در رهن نمی‌باشد به علت جابجایی منزل مفقود گردیده و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است. لذا طبق ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.
م-الف۷۹۹ **رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرری**

آگهی ابلاغ اجراییه ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی پرونده کلاسه ۹۸۰۱۸۶۳

بدین‌وسیله به نقی مهری نام پدر: عبدل تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۴/۰۲ شماره ملی: ۴۰۵۰۶۳۲۴۸۹ شماره شناسنامه: ۲۱۷۳ به نشانی: همدان شهرک مدرس ۷ پلاک ۲۷ ابلاغ می‌شود که بانک ملت به جهت وصول مبلغ ۱۹۶/۹۴۴/۴۷۳ ریال اصل و مبلغ ۱۱۷/۹۲۰ ریال خسارت تاخیر روزانه از تاریخ ۱۳۹۹/۰۳/۰۶ علیه شما و هادی عبداللهی مهربان و رضا عبداللهی مهربان اجراییه صادر نموده و پرونده اجرایی به کلاسه فوق در این اداره تشکیل شده و به استناد گواهی مامور به مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۲ آدرس شما شناسایی نگردید، لذا بنابر تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرا مفاد اجراییه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ شد محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرایی جریان خواهد یافت. تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۷/۲۴
مصطفی عبدالملکی
معاون اداره اجرای اسناد رسمی همدان

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (نوبت اول)

شماره پرونده اجرائی ۹۹۰۰۵۰۴ شعبه اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان میاندوآب
محکوم‌له: آقایان و خانم‌ها: سمیه، محمد، حامد و پیانه همگی تردست همگی فرزند حامد، رابعه، سارا، حلیمه، معصومه، خوازی، هلاله، گلاله و ایران همگی بهرامی همگی فرزند سلطان به نشانی مهاباد روستای گوک‌تپه
محکوم‌علیه: آقایان و خانم‌ها: ظریفه، شیرین، شوریه، فرج، پروانه، ناصر، قاسم، فیروزه، منصور، سلیمان همگی بهرامی فرزند احمد، محمود و محمد و منیجه همگی بهرامی همگی فرزند سلطان و آمینه بلکامه فرزند علی به نشانی میاندوآب روستای خیرآباد
محکوم به: حکم به فروش اموال مرحوم سلطان بهرامی و مبلغ ۱/۸۰۰/۰۰۰ ریال بابت نیم‌عشر دولتی
مورد مزایده: عبارت است از:
۱- زمین کشاورزی به مساحت ۷۸۰۰ مترمربع که از قرار هر مترمربع به مبلغ ۱۶۰/۰۰۰ ریال و بهاء کل آن به مبلغ ۱/۲۴۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است.
۲- زمین کشاورزی به مساحت ۱۵۷۰۰ مترمربع که از قرار هر مترمربع به مبلغ